

خط قرمزهای سیاسی نباید مبهم باشد



ساماندهی رقابت مساله مردم و نظام سیاسی است

دیدگاه‌های سیاسی مختلف را در کشور نمایندگی کند و اساسا پارلمان یا نهاد مجلس و قوه مقننه بنا به تعریف چنین جایی است که عامه مردم با سلیقه‌ها، عقیده‌ها و انتخابات‌های مختلف بتوانند نماینده خود را نه فقط به معنای وکیل در ادبیات سیاسی ما، بلکه کسی که به قدرت می‌رساند، ایده و صدای آنها در نظم و نظام سیاسی را پیدا کند و بتواند به نماینده ایده‌های خود و کسی که برنامه‌ها و ایده‌هایی دارد که به او نزدیک است و به آن احساس تعلق خاطر می‌کند، به پارلمان مجلس بفرستند. اگر ما مقداری انتخابات مجلس را از حیث سیاسی جدی‌تر بگیریم حد اقل می‌توانیم بگوییم که بخشی از بار زیاد یا اضافه بار یا گرانمایه باری که روی دوش انتخابات‌های ریاست جمهوری از حیث نمایندگی گفتارهای سیاسی، گذاشته شده و معمولا به افراط و تفریط کشیده می‌شود را بگیریم و به حق در موضع خود قرار دهیم و آن در فضای انتخابات مجلس، معنا و تجلی پیدا کند. طبیعتا مردم دیدگاه‌های مختلف و پراکنده و البته متضادی دارند، مهم این است که دست کم هر گروهی از مردم با آن دسته بندی‌هایی که از حیث سیاسی وجود دارد، بتوانند کم و بیش نماینده‌ای پیدا کنند که ایده‌های آن نماینده یا آن گروه از نمایندگان، منافع و نظریات آن دسته از مردم را پشتیبانی کند و انتخاب آن نماینده برای کسانی که طرفدار آن ایده و برنامه هستند، انتخاب معناداری باشد. این چیزی است که به نظر می‌رسد ما باید بتوانیم در فضای رقابتی انتخابات‌های مجلس دنبال کنیم و واحد ممکن این وضعیت را تحقق ببخشیم. اینکه نماینده‌ها یا گروه نماینده‌هایی باشند که بتوانند با ایده‌های مختلف با هم رقابت کنند، مستلزم این است که آن افراط و تفریطی که گفتیم در آن اتفاق نیفتد، یعنی نه وضعیتی باشد که رقابت محدود و بی معنا باشد، نه وضعیتی باشد که خطوط قرمز در رقابت هار د شود.

دیدگاه‌های سیاسی مختلف را در کشور نمایندگی کند و اساسا پارلمان یا نهاد مجلس و قوه مقننه بنا به تعریف چنین جایی است که عامه مردم با سلیقه‌ها، عقیده‌ها و انتخابات‌های مختلف بتوانند نماینده خود را نه فقط به معنای وکیل در ادبیات سیاسی ما، بلکه کسی که به قدرت می‌رساند، ایده و صدای آنها در نظم و نظام سیاسی را پیدا کند و بتواند به نماینده ایده‌های خود و کسی که برنامه‌ها و ایده‌هایی دارد که به او نزدیک است و به آن احساس تعلق خاطر می‌کند، به پارلمان مجلس بفرستند. اگر ما مقداری انتخابات مجلس را از حیث سیاسی جدی‌تر بگیریم حد اقل می‌توانیم بگوییم که بخشی از بار زیاد یا اضافه بار یا گرانمایه باری که روی دوش انتخابات‌های ریاست جمهوری از حیث نمایندگی گفتارهای سیاسی، گذاشته شده و معمولا به افراط و تفریط کشیده می‌شود را بگیریم و به حق در موضع خود قرار دهیم و آن در فضای انتخابات مجلس، معنا و تجلی پیدا کند. طبیعتا مردم دیدگاه‌های مختلف و پراکنده و البته متضادی دارند، مهم این است که دست کم هر گروهی از مردم با آن دسته بندی‌هایی که از حیث سیاسی وجود دارد، بتوانند کم و بیش نماینده‌ای پیدا کنند که ایده‌های آن نماینده یا آن گروه از نمایندگان، منافع و نظریات آن دسته از مردم را پشتیبانی کند و انتخاب آن نماینده برای کسانی که طرفدار آن ایده و برنامه هستند، انتخاب معناداری باشد. این چیزی است که به نظر می‌رسد ما باید بتوانیم در فضای رقابتی انتخابات‌های مجلس دنبال کنیم و واحد ممکن این وضعیت را تحقق ببخشیم. اینکه نماینده‌ها یا گروه نماینده‌هایی باشند که بتوانند با ایده‌های مختلف با هم رقابت کنند، مستلزم این است که آن افراط و تفریطی که گفتیم در آن اتفاق نیفتد، یعنی نه وضعیتی باشد که رقابت محدود و بی معنا باشد، نه وضعیتی باشد که خطوط قرمز در رقابت هار د شود.

تبدیل چهارچوب رقابت‌ها به سوزه رقابت‌ها، برای نظام سیاسی سراسر باخت است

مادر فضای سیاسی یک اصولی داریم، می‌گوییم کسی که می‌خواهد نامزد انتخابات شود باید به اصول سیاسی نظام باور داشته باشد و آنها را در قالب قانون اساسی، ولایت فقیه، اصل انقلاب اسلامی و حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان و امثال اینها تعریف می‌کنیم و بنابر دیدگاهی می‌توانیم همه اینها را در قالب قانون اساسی تعریف کنیم که ميثاق ملی و سیاسی ماست. غیر از این اصول یک سری خطوط قرمز داریم که هم شامل مخالفت و رد این اصول شده و هم شامل چیزهایی بیش از اینها می‌شود، چون فرض بر این است کسی که در انتخابات شرکت می‌کند، احراز شده که به این اصول اعتقاد دارد و به آن التزام دارد، اما خود آن فرد هم در چهارچوب رقابت‌های انتخاباتی باید تلاش کند که خطوط قرمز نظام را رد نکند. اگر آن چهارچوب‌ها به جای آنکه چهارچوب رقابت باشند تبدیل به موضوع و سوزه رقابت بین نامزدها شوند، آن انتخابات برای آن نظام سیاسی سراسر باخت است. ویژگی خطوط قرمز این است که باید شفاف باشد و چیز مبهمی نباشد. دوم اینکه باید به طور نسبی، اجماعی باشد و سران بحث و دعوا نباشد که یک عده چیزی گویند و عده‌ای چیز دیگری بگویند و این کشمکش ادامه داشته باشد و سوم اینکه رد کردن این خط قرمز باید همراه با هزینه سنگین بوده و به شکلی باشد که هرکس به خودش اجازه ندهد در هر کاری این خطوط قرمز را رد کند. متأسفانه به نظر می‌رسد در کشور ما در بعضی موارد این برعکس است، یعنی هم خطوط قرمز مبهمند و هم در مورد آنها اجماع وجود ندارد و به معنایی می‌شود گفت محدود نیستند، گسترده‌اند چون هرچاهی پامی گذارید مردم است خط قرمز تلقی شود و رد کردنش هم متأسفانه هزینه خیلی سنگینی ندارد، یعنی خیلی چیزها را که خط قرمز اعلام می‌شود را رد می‌کنند و هزینه‌ای هم نمی‌پردازند. متأسفانه خیلی وقت‌ها این رفتار مسئولان به صورت سیاسی مقابل چشم مردم قرار دارد و نمی‌شود انتظار داشت که مردم از این رفتار و کنش مسئولان، سیاست‌ورزان و سیاستمداران کشور بخوانند درس احترام به خطوط قرمز بگیرند.

مصطفی غفاری
دکترای جامعه‌شناسی سیاسی و مدرس دانشگاه امام صادق (ع)

مفهوم مشارکت سیاسی و مشخصا مشارکت در انتخابات که کم و بیش هم با مفهوم و مصادیق عمده آن مثل انتخابات و مشخصا انتخابات‌های مجلس، ریاست جمهوری، شورای شهر و خیرگان رهبری آشنا هستیم، یک همذات و آن روی سکه‌ای به نام رقابت دارد. من این طور به نظم می‌رسد که عمده مساله‌ها و دغدغه‌های ما در رابطه با مشارکت به اشکالاتی برمی‌گردد که در حوزه مفهوم رقابت انتخاباتی و ساماندهی مقوله رقابت داریم. در حدی که بعضی وقت‌ها گمان می‌کنیم که گویی می‌شود با رقابت انتخاباتی کم، خفیف و بی‌رونی، مشارکت انتخاباتی بالا و با تراز مناسبی را داشت. در حالی که به طور منطقی این دو در گروی همدیگر هستند و بدون فضای رقابت سالم، معنادار و گسترده، داشتن نرخ بالا در حوزه مشارکت وجود انگیزه بالا در مشارکت‌کنندگان مقداری دور از واقعیت به نظر می‌رسد و بیشتر یک خیال خام است.

در رقابت و مشارکت سیاسی دچار افراط و تفریط شده‌ایم

به نظر می‌رسد وضعیت مادر این رابطه دچار افراط و تفریط بوده است. در دوره‌هایی خصوصاً در انتخابات ریاست جمهوری که این مساله آشکارتر بوده، به حدی رقابت بی‌سامان و بی‌منطق پیش رفت که نامزد انتخابات ریاست جمهوری حتی وقتی که نامزد انتخابات، رئیس جمهور مستقر بوده است به خود اجازه داده که خطوط قرمز نظام سیاسی را زیر پا بگذارد و به این وسیله برای خودش رای جمع کند. طبیعتا نتیجه جمعی آن هم برای نظام این بوده که جامعه دچار التهاب شده و مشارکت سیاسی در آن مقطع بالا رفته است. اما هزینه‌ای که دادیم این بوده که خطوط قرمز رقابت زیر سوال رفته و به چالش کشیده شده است. این نباید موقتی شمرده شود. این موقتی‌نسی و کوتاه‌مدت با ضررهای بلندمدت است. ضرر آن هم این است که چهارچوب‌های رقابت سیاسی نقض شده، این خطوط قرمز باید چهارچوب رقابت سیاسی باشند نه موضوع رقابت سیاسی. در واکنش به این افراط در دوره‌هایی دچار تفریط شدید و نهاد رقابت را منحل کرده یا آنگذر محدود کردیم که بعضی از اوضاع رقابت سیاسی اساسا دیگر معنایی نمی‌کنند. مثلاً در انتخابات ۱۴۰۰ میزان آرای باطله و سفید دست کم گویای این مطلب هم هست که ما کسانی را داریم که انگیزه مشارکت در فضای انتخابات را داشتند اما گویی نماینده سیاسی و کسی را نداشتند که بتواند دیدگاه آنها را نمایندگی کند و به گزینش‌های برسد و به آن گزینش‌ها دهنده یعنی آنگذر دامنه رقابت محدود شده و به معنایی با اغماض منحل شده است که دیگر کسی آنجا نماینده خودش را پیدا نمی‌کند. اگر با نقض خطوط قرمز دچار آسیب‌هایی مثل دوقطبی‌های شدید، قبیله‌گرایی و التهاب زیاد جامعه می‌شدیم که بعد از اعلام نتایج به این راحتی نمی‌شد این راز جامعه گرفت و این التهاب را خوبانند، مثل اتفاقی که در سال ۸۸ افتاد که از این طرف هم دچار بی‌تفاوتی سیاسی، دچار کاهش انگیزه مشارکت و دچار بی‌معنایی رفتار سیاسی بین بخشی از رای دهندگان بالقوه‌ای که شرکت نمی‌کنند یا رای دهندگان بالفعلی که شرکت می‌کنند و رای سفیدی می‌دهند، مواجه هستیم. تقریبا هیچ‌کدام از این افراط و تفریط‌ها برای ما مطلوب نیست و در این کشاکش ما باید تلاش کنیم که یک الگوی همسان و متوازی از رقابت و مشارکت سیاسی ارائه دهیم.

مثال‌هایی که گفتیم بیشتر ناظر به انتخابات ریاست جمهوری بود به این دلیل که تجلی نکاتی که خواستیم بگویم در سال‌های اخیر بیشتر در این تضاد دیده شده، اما در مورد انتخابات مجلس هم گاهی با درجه کمی از شدت و نوسان، شاهد این پدیده بودیم؛ اتفاقی که به نظر می‌رسد مطلوب و خوب باشد که در کشور ما رخ دهد. این است که به جای انتخابات ریاست جمهوری یا پیش از انتخابات ریاست جمهوری و مقدم بر آن، این انتخابات مجلس باشد که گفتارهای سیاسی

۹۴ درصد برق تولیدی از سوخت‌های فسیلی تامین می‌شود

وابستگی ترسناک

افزایش معنادار مصرف گاز در بخش‌های خانگی و تجاری طی سال‌های اخیر موجب محدود شدن عرضه گاز در نیروگاه‌ها شده، این محدودیت موجب روی آوردن و وابستگی نیروگاه‌های برق کشور به مصرف سوخت‌های مایع جایگزین مازوت و گازوئیل شده است. سهم سوخت‌های فسیلی در سبد سوختی نیروگاه‌ها ۹۴ درصد بوده با عبارت دیگری می‌توان گفت در حال حاضر حدود ۹۴ درصد از تولید برق کشور از طریق نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شود. روند کلی تولید گاز در کشور نشان می‌دهد که سهم گاز طبیعی از کل تولید سوخت‌های فسیلی کشور تا سال ۱۳۷۵ کمتر از ۱۶ درصد بوده است؛ با شروع فرآیند توسعه میدان پارس جنوبی، تولید گاز ظرف دو دهه اخیر با رشد بیش از پنج برابر به بیش از یک میلیارد مترمکعب در روز رسیده و سهم خود را به حدود ۷۰ درصد از سبد تولید انرژی رسانده است. این موضوع زمانی اهمیت خواهد یافت که بدانبین میدان پارس جنوبی بعد از سال‌ها تولید به‌نیمه دم خود رسیده است و به طور طبیعی نرخ تولید از این میدان کاهش خواهد بود. از سوی دیگر این میدان در دوره جوانی خود قادر بود گاز را از اعماق زمین به سطح و از دریا به خشکی هدایت کند به تدریج با افت فشار مخزن، ضعیف خواهد شد و گاز کمتری به خشکی می‌رسد. از طرفی با توجه به پیروی سایر میدان‌های گازی کشور، تولید گاز طبیعی در آن میدان‌ها نیز کاهش می‌یابد. این موضوع سبب شکل‌گیری ناترازی در تولید برق شده و علاوه بر افزایش مصرف سوخت‌های مایع در نیروگاه‌های کشور طی سال‌های آتی، تراز تولید برق کشور را نیز به طور جدی تحت تاثیر قرار خواهد داد.

ابرچالش سوخت گازوئیل در نیروگاه‌ها

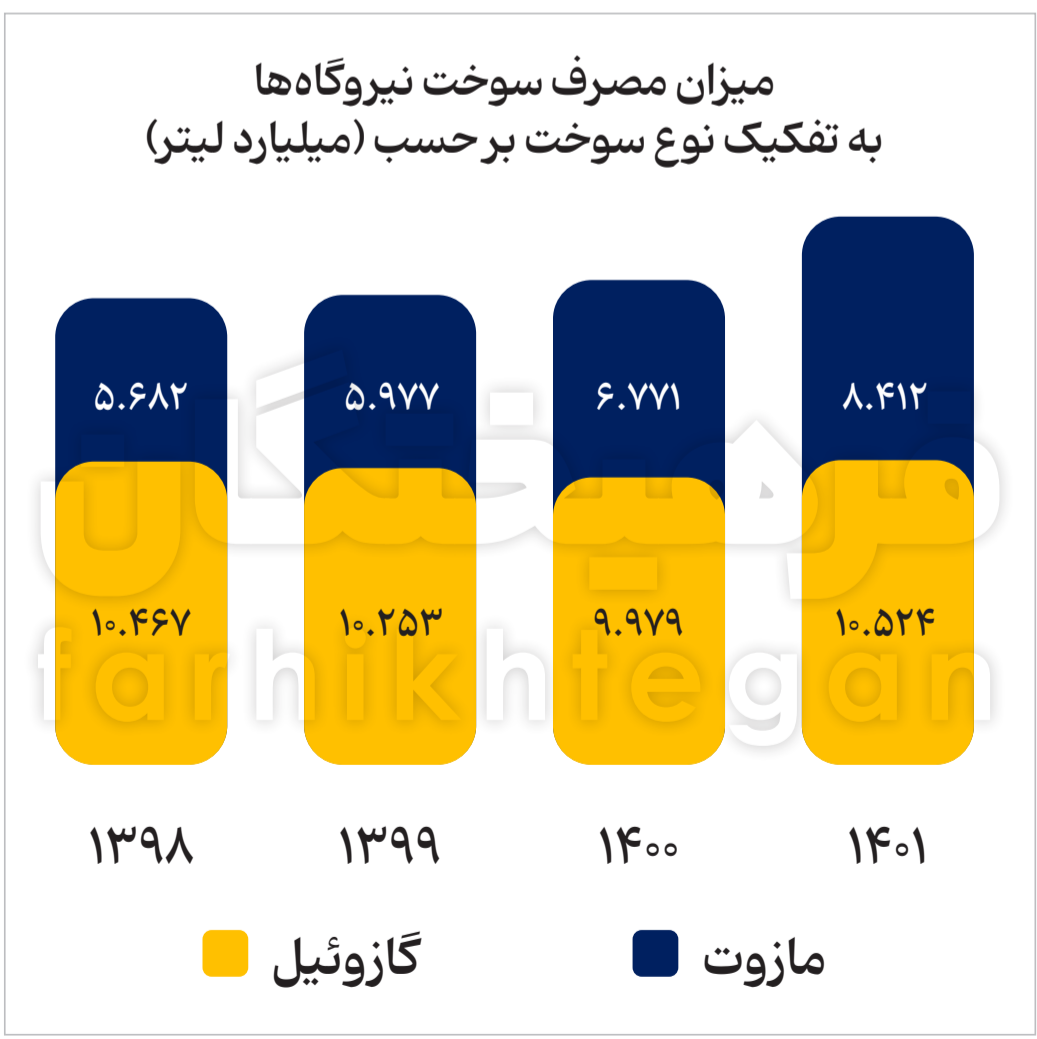
هرساله با فورارسیدن فصول سرد سال و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و کمبود آن، بخش قابل توجهی از نیروگاه‌های حرارتی کشور سوخت مایع جایگزین استفاده از گاز می‌کنند. براساس گزارش وضعیت آماری صنعت برق کشور در شش ماه ابتدایی سال جاری و تا تاریخ ۱۰ شهریور ماه که تراز تولید و مصرف گاز مثبت بوده و همچنین مصرف گاز بخش خانگی در این مدت از سال نسبت به فصول سرد تعدیل یافته است، نیروگاه‌های کشور دو میلیارد و ۳۵۴ میلیون لیتر سوخت مایع شامل گازوئیل و نفت کوره مصرف کرده‌اند. در همین راستا حسین زاده، نماینده کمیسیون انرژی مجلس با اشاره به ناترازی تولید و مصرف گاز در فصول سرد سال گفت: «پیش‌بینی می‌شود که در پیک زمستان ۲۵۰ میلیون مترمکعب کمبود گاز

داشته باشیم». این بدان معنی است که اگر فرض کنیم که طی شش ماه دوم سال نیز دولت بخواهد با خاموش کردن بخشی از صنایع، مطابق سال گذشته سوخت مایع به نیروگاه‌های کشور تحویل دهد (هشت میلیارد لیتر مازوت و ۱۰ میلیارد لیتر گازوئیل طی سال)، باید روزانه ۸۵ میلیون لیتر سوخت مایع طی نیمه دوم سال به نیروگاه‌های کشور اختصاص یابد.

عدم التفع ۴۰ میلیارد دلاری دولت از سوزاندن گازوئیل در نیروگاه‌ها

استفاده از سوخت مایع همواره یکی از مهم‌ترین محل مناقشات کارشناسان حوزه انرژی و فعالان محیط‌زیست به حساب می‌آید و طرفداران محیط‌زیست به دلیل ایجاد آلودگی و کارشناسان حوزه انرژی به دلیل عدم التفع مصرف سوخت مایع از مصرف این نوع انرژی در نیروگاه‌ها گلایه دارند. از سوی دیگر، فعالان صنعت نیروگاهی نیز معتقدند با مصرف سوخت مایع، زمینه افزایش قابل توجه هزینه تولید برق و آسیب به واحدهای تولید برق کشور را از اعماق زمین به سطح و از دریا به خشکی نیروگاه مطابق نمودار زیر طی چهار سال اخیر روند افزایشی داشته است.

براساس گزارش‌های آماری و مطابق جدول زیر طی چهار سال گذشته مجموعاً ۲۶۸۴ میلیون لیتر مازوت و ۴۱۲۳ میلیون لیتر گازوئیل در نیروگاه‌های کشور سوزانده شده است در صورتی که این میزان از فرآورده نفتی می‌توانست در صورت صادرات در مجموع طی ۴ سال، ۴۰ میلیارد دلار برای کشور ارزآوری داشته باشد. بررسی این روند نشان می‌دهد اگر برای حل این بحران راه‌های اندیشیده نشود میزان سوزاندن این فرآورده‌های باارزش در نیروگاه‌ها هر سال افزایش خواهد داشت. قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق برای پاسخ‌گویی به مشکلات صنعت برق در سال گذشته به تصویب مجلس رسید. مطابق ماده ۱۰ قانون مانع‌زدایی از صنعت برق بازانه در کل زنجیره تولید تا مصرف برق، تدریجا حذف و به انتهای زنجیره (مصرف‌کننده‌هایی منتقل گردد و متناسب با مصرف‌کنندگان مختلف ساماندهی شود. برای این کار باید قیمت سوخت نیروگاه‌ها به قدری افزایش پیدا کند که انگیزه اقتصادی برای بهبود بازماندگان تلفات در زنجیره ایجاد شود. اجرائی شدن این ماده قانونی با ایجاد انگیزه اقتصادی، افزایش راندمان نیروگاه‌ها و رقابت‌پذیر شدن سایر روش‌های تولید برق که به سوخت‌نیز نیاز ندارند در مقابل نیروگاه‌های حرارتی، می‌تواند از افزایش مصرف فرآورده‌های نفتی در نیروگاه‌ها جلوگیری کند.



سال	قیمت نهایی مازوت در صورت صادرات (دلار)	قیمت نهایی گازوئیل در صورت صادرات (دلار)	مصرف مازوت برحسب میلیون لیتر	مصرف گازوئیل برحسب میلیون لیتر
۱۳۹۸	۲۳۸,۶۴۴,۰۰۰,۰۰۰	۷۳۲,۶۹۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۶۸۲	۱۰۴۶۷
۱۳۹۹	۲۵۱,۰۳۴,۰۰۰,۰۰۰	۷۱۷,۷۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۹۷۷	۱۰۲۵۳
۱۴۰۰	۲۸۴,۳۸۲,۰۰۰,۰۰۰	۶۹۸,۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۷۷۱	۹۹۷۹
۱۴۰۱	۳۵۳,۳۰۴,۰۰۰,۰۰۰	۷۳۶,۶۸۰,۰۰۰,۰۰۰	۸۴۱۲	۱۰۵۲۴